



The University of
Tehran Press

Journal of Foreign Language Research

Online ISSN: 2588-7521

Journal Homepage: <https://jflr.ut.ac.ir/>



Unconscious Friends: A new subcategory of accidental word pairs

Sara Rahmani ¹

1. Department of German Language and Literature, Faculty of Foreign Languages and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: sara.rahmani@ut.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 19 January 2025
Received in revised form: 14
February 2026
Accepted: 21 February 2026
Available online : 22 June
2026

Keywords:

Common words,
accidental word pairs,
non-/cognate words,
unconscious friends,
reversed etymology.

ABSTRACT

Objective: The present research aims primarily at a theoretical and qualitative (descriptive-analytical) re-categorization of common accidental words in any given language pair (whether related or unrelated). A key objective is to identify and establish the position of "unconscious friends" (unconscious false cognates) as a new, unfamiliar, and low-frequency subcategory within the accidental word group, which has not been previously studied in Persian linguistics. Furthermore, the study seeks to demonstrate that traditional classifications of common lexical pairs—particularly the accidental category—are insufficient and require more rigorous revision.

Methodology: This study adopts a qualitative, descriptive-analytical approach. The data are primarily drawn from corpus-based examples of Persian-German word pairs, including the newly proposed subgroup of "unconscious friends," which is discussed here for the first time in Persian. Additional examples are taken from a broader range of Indo-European and Semitic languages to enhance the scope and generalizability of the findings. The research is mainly theoretical and comparative, focusing on the re-examination and re-classification of common lexical items across the three traditional categories (related, borrowed, and accidental).

Findings: The findings reveal that: The conventional tripartite classification of common lexical pairs (related, borrowed, accidental) is incomplete and requires systematic revision. The accidental group, previously limited to false friends (false cognates) and onomatopoeic words, is far more complex and extensive than previously assumed. The subcategory of "unconscious friends" (unconscious false cognates) can be identified as a distinct, low-frequency, and previously unrecognized subgroup within accidental word pairs, which has not been addressed in Persian linguistics before. Many well-known word pairs, even beyond the accidental group, have not been examined or classified with sufficient precision in earlier research across related disciplines.

Conclusion: The results of this lexeme-based research indicate that the classification of common lexical pairs across languages requires fundamental revision. The accidental group, in particular, is far more intricate than previously assumed, and the newly identified subcategory of "unconscious friends" deserves focused attention in comparative linguistics, translation studies, and foreign language teaching. This research opens a new perspective for more precise lexical classification across languages and highlights the need for further empirical and theoretical investigation in this underexplored area.

Cite this article: Rahmani, S. (2026). Unconscious friends: A new subcategory of accidental word pairs. *Journal of Foreign Language Research*, 16(2), 243-257. <https://doi.org/10.22059/jflr.2026.389053.1182>



© Author(s) retain the copyright.

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jflr.2026.389053.1182>



پژوهشهای زبانشناختی در زبانهای خارجی

شاپا الکترونیکی: ۷۵۲۱-۲۵۸۸

Journal Homepage: <https://jflr.ut.ac.ir/>



انتشارات دانشگاه تهران

«دوستان ناآگاه»: زیرگروهی تازه از زوج‌واژه‌های تصادفی

سارا رحمانی ✉

۱. گروه زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: sara.rahmani@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: پژوهش حاضر با هدف اصلی بازنگری و طبقه‌بندی مجدد واژه‌های مشترک تصادفی در زوج‌زبان‌های دلخواه (اعم از خویشاوند و غیرهم‌تبار) انجام شده است. همچنین این پژوهش در پی تعیین جایگاه «دوستان ناآگاه» به‌عنوان زیرگروهی تازه، ناشناخته و کم‌بسامد در میان واژه‌های تصادفی است. از سوی دیگر، پژوهش به دنبال آن است که نشان دهد طبقه‌بندی‌های پیشین در حوزه واژه‌های مشترک، به‌ویژه در گروه تصادفی، ناقص بوده و نیاز به بازنگری دقیق‌تری دارد.
تاریخچه مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۰۱	روش‌شناسی: این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و به‌شیوه کیفی انجام شده است. داده‌های پژوهش عمدتاً از پیکره‌های زبانی مرتبط با زوج‌واژه‌های پارسی و آلمانی گردآوری شده و نمونه‌هایی از زبان‌های هندواروپایی و سامی نیز برای گسترش دامنه مطالعه به کار رفته است. روش کار بر بررسی نظری و مقایسه‌ای واژه‌های مشترک در سه گروه کلی (هم‌تبار، وام‌گرفته، تصادفی) استوار است و برای نخستین بار در زبان پارسی، به زیرگروه «دوستان ناآگاه» پرداخته شده است.
کلیدواژه‌ها: واژه‌های مشترک، زوج‌واژه‌های تصادفی، واژه‌های غیر-خویشاوند، دوستان ناآگاه، ریشه‌شناسی معکوس.	یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که طبقه‌بندی سنتی واژه‌های مشترک (هم‌تبار، وام‌گرفته، تصادفی) ناقص است و نیاز به بازنگری دارد. گروه واژه‌های تصادفی، که پیش‌تر عمدتاً به دوستان ناباب (اشتباهی) و نام‌آواها محدود می‌شد، گسترده‌تر از آن است که پیش‌تر تصور می‌شد. زیرگروه «دوستان ناآگاه» (False Cognates یا False Friends ناآگاهانه) به‌عنوان دسته‌ای تازه، ناشناخته و کم‌بسامد در میان واژه‌های تصادفی قابل شناسایی است و تا پیش از این در زبان‌شناسی پارسی مورد بررسی قرار نگرفته بود. بسیاری از زوج‌واژه‌های شناخته‌شده نیز در پژوهش‌های پیشین به‌دقت و با ریزبینی کافی گروه‌بندی و تحلیل نشده‌اند.
	نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش واژه‌محور حاکی از آن است که طبقه‌بندی واژه‌های مشترک در زوج‌زبان‌ها نیازمند بازنگری اساسی است و گروه «تصادفی» بسیار پیچیده‌تر از آن است که در پژوهش‌های پیشین پنداشته می‌شد. همچنین «دوستان ناآگاه» به‌عنوان زیرگروهی تازه و کم‌بسامد، شایسته توجه ویژه در مطالعات زبان‌شناسی تطبیقی، ترجمه‌شناسی و آموزش زبان است. این پژوهش می‌تواند دریچه‌ای نو برای طبقه‌بندی دقیق‌تر واژگان در زبان‌های مختلف بگشاید.

استناد: رحمانی، سارا. (۱۴۰۵). دوستان ناآگاه: زیرگروهی تازه از زوج‌واژه‌های تصادفی. *پژوهشهای زبانشناختی در زبانهای خارجی*، ۱۶ (۲)، ۲۴۳-۲۵۷.
<https://doi.org/10.22059/jflr.2026.389053.1182>



© نویسنده‌گان.

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

۱- مقدمه، بیان مسئله و روش پژوهش

واژگان (Lexis oder Lexik) قاموسی زبان‌های (طبیعی) جهان از دیرباز تا کنون دستمایه بررسی‌ها و پژوهش‌های کیفی و کمی فراوانی در حیطه علوم مختلف انسانی، از جمله فقه‌اللغة (Philologie)، واژه- و زبان‌شناسی، تاریخ زبان، مطالعات ترجمه (Übersetzungswissenschaft)، آموزش زبان خارجی (Fremdsprachen-didaktik) و غیره، بوده‌اند. هدف از این مطالعات نخست تجربی و به‌مرور در چارچوب نظری تدوین یافته هرچه که (بوده) باشد، سیر تکاملی‌گزینش، قیاس و طبقه‌بندی درون- و برون‌زبانی واژه‌های مد نظر را می‌توان همواره پیش‌رونده دانست. خواه این تقابل و یا انطباق در راستای واژه‌گزینی یا واژه‌شناسی، نیز ریشه‌یابی واژه‌های درون یک زبان و خواه به‌منظور نمایاندن مشابهت‌ها یا تفاوت‌های واژه‌های دو یا چند زبان - برای نمونه کشف خویشاوندی یا برخورد زبان‌های مد نظر - و از این قبیل موارد باشد. در دوران معاصر طیف گسترده‌ای از پژوهش‌های تطبیقی و بین‌زبانی واژه‌ها - از دید آواشناسی، واج‌شناسی، اشتقاق و یا معناشناسی و کاربردشناسی - انجام گرفته که بررسی (صورت) قاموسی یا فرهنگ‌نامه‌ای واژه‌های مزبور، پیوسته سهم قابل توجهی از چنین پژوهش‌های زبان‌شناختی را به‌ویژه در فراسوی مرزهای زبان عدم وجود پارسی به خود اختصاص داده است (منظور از بررسی قاموسی یا فرهنگ‌نامه‌ای در این‌جا بیش‌تر صورت پایه‌ای و غیرتصریفی درج شده واژه‌ها به‌عنوان مدخل در فرهنگ واژگان است). در این ارتباط می‌بایست از پژوهش‌های مربوط به هم‌تباری یا خویشاوندی زبانی (genetische bzw. geographische Verwandtschaft) در شکل نخستین و غیرعلمی آن از سده‌های میانه (به بعد)، و به صورت علمی در حیطه زبان‌شناسی تاریخی-تطبیقی (historisch-vergleichende Sprachforschung) و به‌ویژه از آغاز سده نوزدهم میلادی (عمدتاً در آلمان) که به کشف و اثبات واژه‌های هم‌تبار (Erbwortpaare) زبان‌های خویشاوند انجامید، نام برد. نیز تحقیقات مرتبط با برخورد زبان‌ها (Sprach[en]kontakt) در زمینه جغرافیای زبانی (Sprachgeographie) از اواخر سده نوزدهم (در اروپا) که به بررسی وام‌واژه‌ها (Lehnwortpaare) به‌عنوان دیگر واژه‌های مشترک مشابه میان زبان‌های گوناگون و اغلب هم‌جوار، فراتر از مرزهای روابط خویشاوندی اولیه پرداختند، در این زمره‌اند. تازه از نیمه دوم سده بیستم بود که با رشد روزافزون و انشعاب شاخه‌های گوناگون فقه‌اللغة و زبان‌شناسی، از جمله مطالعات تطبیقی یا مقابله‌ای مربوط به آموزش زبان خارجی و ترجمه‌شناسی، از نوع دیگری از واژه‌های مشترک میان دو یا چند زبان نیز سخن به میان آمد. مسئله این‌جاست که این گروه سوم که تا چندی پیش تنها مشتمل بر گروه دوستان ناباب (Falsche Freunde) بود، - گروهی دربردارنده زوج‌واژه‌های از لحاظ آوایی-واجی و یا نویسه‌ای مشابه یا همانند، از جهت معنایی متفاوت و از دید ریشه‌شناسی مختلط (گاه خویشاوند در مفهوم کلی و عموماً به‌شکل تصادفی مشابه) - عمدتاً به‌طور مستقل، بی‌توجه به دو گروه پیش‌تر نام برده (زوج‌واژه‌های مشترک زبان‌ها و نه به موازات آن‌ها، کمابیش به‌درستی تفکیک نشده در مباحث زبان‌شناسی بینابینی (Interlinguistik) و ترجمه‌شناسی مطرح می‌شد (see Einhellinger, 2023). درهرحال مرزهای شناور میان گروهی و ذات‌گاه تصادفی و گاه (از لحاظ ریشه‌شناختی) مرتبط چنین واژه‌هایی از طبقه‌بندی آن‌ها در ذیل گروه سوم ممانعت می‌کرد.

اما چندی پیش طبقه‌بندی کلی نگارنده از تمامی انواع واژه‌های مشترک زوج‌زبان‌ها - بر مبنای زبان‌های پارسی و آلمانی - وضعیت هر سه گروه و زیرگروه‌های شناور را سامان بخشید؛ و آن هم بدین منوال که نه‌تنها از این رهگذر وضعیت گروه ناخوانده زوج‌واژه‌های تصادفی روشن شد، بلکه پژوهش نام برده هم‌چنین به معرفی زیرگروه ناشناخته دوستان ناآگاه (Unbewusste Freunde) یا به‌عبارتی ناخودآگاه - به‌عنوان محور اصلی پژوهش حاضر در مقیاسی بزرگ‌تر - که متشکل از زوج‌واژه‌های تصادفی از لحاظ صوری و محتوایی مشابه یا هم‌سان است، انجامید (نگارنده جهت پرهیز از خلط اصطلاحات میان‌رشته‌ای زبان‌شناختی با روان‌شناختی، و عدم ارجاع به مباحثی چون خودآگاهی انسانی و ضمیرناخودآگاه، عجلتاً لفظ دوستان ناآگاه را در زبان پارسی برمی‌گزیند). با این‌همه و علی‌رغم کشف اولیه چنین زوج‌واژه‌هایی، مسئله کلی زبان‌شناختی، یعنی یافتن دوستان ناآگاه در میان دیگر زوج‌زبان‌های دلخواه و تعمیم این زیرگروه به دیگر زبان‌های هم‌تبار و غیرهم‌تبار کمابیش بر جای مانده است. هدف از مقاله حاضر، یافتن چنین مشابهت‌های ظاهری و محتوایی صرفاً تصادفی (دوستان ناآگاه) مفروض در میان زبان‌های جهان (متضمن و

نیز فراسوی پارسی و آلمانی) است که عمدتاً به خانوادهٔ زبان‌های هندواروپایی و تا حدودی سامی و غیره تعلق دارند. نگارنده در این راستا می‌کوشد (فارغ از پژوهش موردی پیشین) پرسش‌های تازه و جامع زیر را در خلال متن پاسخ گوید:

۱. (پیش) شرط پیدایش و طبقه- یا گروه‌بندی *دوستان ناآگاه* و کارکردهای آن در دو یا چند زبان دلخواه چیست؟
۲. چگونه می‌توان *دوستان ناآگاه* را از خیل دیگر واژه‌های (تصادفی) مشترک زوج‌زبان‌ها متمایز کرد؟ به عبارت دیگر: این (زیر)گروه ناشناخته چه تفاوت‌ها، شباهت‌ها و هم‌پوشانی‌های احتمالی‌ای با دیگر زوج‌واژه‌های تصادفی دارد؟
۳. آیا زیرگروه مطلقاً تصادفی *دوستان ناآگاه* تنها در میان زوج‌زبان‌هایی خاص (غیرخویشاوند) یافت می‌شود یا وجود آن‌ها ارتباطی به وابستگی اولیه و ثانویهٔ زبان‌ها (به سبب خویشاوندی یا برخورد جغرافیایی) ندارد؟

آن‌چه که در این ارتباط حائز اهمیت است، یافتن تشابهات یا هم‌سانی‌های ظاهری و محتوایی واژه‌ها فراسوی زوج‌زبان خویشاوند نام برده (پارسی-آلمانی)، به‌ویژه میان زبان‌های از لحاظ تاریخی و یا جغرافیایی غیرمرتبط جهان است که بناست بر فرض پیشینی (*a priori*) این پژوهش، یعنی وجود *دوستان ناآگاه* در میان همهٔ انواع زوج‌زبان‌های دلخواه (از جمله غیرخویشاوند)، صحه گذارد. بدیهی‌ست که در این راه بهره‌گیری از برخی نمونه‌های پیکرهٔ واژگانی پژوهش‌های گذشته ([see Schmidt, 2023; usw.](#))، یاری‌بخش روش تحقیق توصیفی-تحلیلی (کیفی) و استقرایی این مقاله خواهد بود، بی‌آن‌که جهت‌گیری‌ای کمی و آماری داشته باشد.

۲- پیشینهٔ پژوهش

صرف نظر از پژوهش‌های دیرینه، دامنه‌دار و یک- یا دووجهی در ارتباط با واژه‌های هم‌تبار و یا وام‌واژه‌ها که به‌ویژه در حیطهٔ زبان‌شناسی تاریخی و جغرافیایی سده‌های نوزدهم و بیستم به منصهٔ ظهور رسیده‌اند، تحقیقات چندانی پیرامون زوج‌واژه‌ها، خواه به‌طور کلی و خواه بر مبنای دیگرانواع ممکن (تصادفی) آن، صورت نگرفته است. به عبارت بهتر در دهه‌های اخیر با کشف گروه مستقل *دوستان ناباب* که خصلتی دوگانه (اغلب تصادفی و گاه مشتق از واژه‌های هم‌تبار یا وامی) دارند، افراد بسیاری در سراسر جهان به برابر نهادن آن‌ها در بسیاری از زبان‌های جهان مبادرت ورزیده و کتاب‌های مرتبط زیادی را عمدتاً به صورت تجربی و در قالب فهرست زوج‌واژه‌های مزبور از گذشته تا حال (*see* [Milan & Sünkel, 1990; etc.](#) [Pascoe & Pascoe, 1985; Leiste et al., 1988; Milan & Sünkel, 1990; etc.](#))^۱ یا آمیزه‌ای از هر دو ([Parianou, 2000](#)) به علاقه‌مندان عرضه کرده‌اند. اما تا چندی پیش گروهی (کلی) به نام زوج‌واژه‌های تصادفی به‌طور رسمی و حتی اسماً نیز وجود خارجی نداشت، چه رسد به زیرگروه بارز و مطلق آن، یعنی *دوستان ناآگاه* ([see Rahmani, 2020; Rahmani 2021](#))، - حتی با در نظر گرفتن نام/واژه‌های (*Onomatopoeitika*) مشترک زبان‌های گوناگون بشری که عمدتاً تصادفی و از جمله به مبحث جهانی‌های زبان (*Sprachuniversalien*) مرتبطند. زین‌رو در کنار پژوهش مورد اشاره که از دید نظری و تجربی و به‌صورت موردی، یعنی بر پایهٔ زبان‌های پارسی و آلمانی، به بررسی همهٔ انواع و گروه‌های سه‌گانهٔ واژه‌های مشترک زوج‌زبانی دلخواه و ایده‌آل، و در این ارتباط به‌ویژه زوج‌واژه‌های تصادفی و *دوستان ناآگاه* پرداخته است (*see ibid.*), 2021, pp. 362-399, 659-713, 1082-1402، نمی‌توان از پژوهش مرتبط دیگری - اعم از کتاب، مقاله و جستار - با مقالهٔ حاضر نام برد. با این‌همه، پژوهش نام برده به دلیل محدودیت در انتخاب تنها یک زوج‌زبان، صرفاً در حکم منبع دست اول مقالهٔ مبسوط حاضر است که به‌علاوه زبان‌های گوناگون دیگر را نیز دربرمی‌گیرد.

^۱ Pascoe, G., & Pascoe, H. (1985). *Sprachfallen im Englischen*. Wörterbuch der falschen Freunde Deutsch und Englisch. Ein Lern- und Nachschlagewerk. München: Max Hueber Verlag.
Petersen, H. (1990). *Das Phänomen Falsche Freunde im Lichte unterschiedlicher Beschreibungsmodelle*. Kassel: Gesamthochschulbibliothek.

۳- چارچوب نظری

۳-۱- بسترها و حیطه‌ها

گرچه دانش کهن فقه‌اللغة به معنی مجموعه علوم وابسته به ادبیات و زبان، دهه‌هاست که به دو شاخه ادبیات‌شناسی (Literaturwissenschaft) و زبان‌شناسی (Sprachwissenschaft) منشعب و با دیگر زیرشاخه‌های سپس‌تر استقلال یافته هم‌چون ترجمه‌شناسی و آموزش زبان تکمیل شده، در روزگار ما به یمن پیوستن مجدد این علوم که خواه ناخواه هم‌چنان در رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند، پیوسته نوآوری‌های دیگری رقم می‌خورند. با این‌همه، نام‌گذاری (شاخه در اصل زبان‌شناختی واژه‌شناسی که چندی‌ست در اروپا رشته‌ای کامیاب مستقل به شمار می‌آید، در زبان پارسی دارای ابهام است و اغلب به عنوان برابر واژه فرنگی لکسیکوگرافی (Lexikologie: خود این واژه اصالتاً یونانی به معنای دانش مربوط به فرهنگ‌نامه است، متشکل از (Lexikon + Logie) / (lexicon + logy) و نه (lexeme + logy) / (Lexem + Logie). گذشته از این، خود واژه Lexikon کاربردی سه‌گانه دارد: واژگان قاموسی یک زبان، به‌ویژه فرهنگ‌نامه و نیز واژگان غیرقاموسی موجود در ذهن افراد از دید روان‌شناختی) یا فرهنگ‌نامه‌شناسی شناخته و به کار برده می‌شود، - هرچند از لفظ پارسی واژه‌شناسی بیش‌تر معنای لغوی آن، یعنی بررسی وجوه گوناگون (از جمله آوایی، واجی، نویسه‌ای، ریشه‌شناختی) واژه‌های مجزا و نه دانش جمیع واژگان (Lexis bzw. Lexik) یک زبان، استنباط می‌شود. البته ابهام نام برده تا حدی به معانی متعدد این واژه در زبان‌هایی نظیر انگلیسی و پیش‌تر فرانسوی بازمی‌گردد که همواره در حکم زبان اصلی و مرجع متون مورد استفاده و ترجمه شده به پارسی بوده‌اند. اما محدود زبان‌هایی هم‌چون آلمانی، از امکانات گسترده وندسازی، - که پارسی نیز به سبب خویشاوندی از آن بهره‌مند است - برخوردارند ([see Harm, 2022, 173-191](#))؛ امکاناتی که آلمانی‌زبانان از دیرباز از آن‌ها) سود جسته و واژه‌های بسیاری برای تفکیک موارد این‌چنینی و رفع ابهام واژه‌های چندمعنایی یا هم‌سان ساخته‌اند (برای نمونه Wortkunde برای واژه‌شناسی، و Wortschatzuntersuchung برای فرهنگ‌نامه‌شناسی که هر دو می‌توانند راجع به واژه Lexikographie باشند). باری، غرض از طرح این پیش‌درآمد، بسترسازی لغوی پژوهش حاضر می‌باشد که خود به بحث پیرامون موضوعات کهن و به‌روز واژه‌ها، واژگان و واژه‌شناسی می‌پردازد. پس با توجه بدان‌چه گفته شد، حیطه اصلی این مقاله، زبان‌شناسی و به بیان دقیق‌تر، واژگان، واژه‌شناسی به مفهوم ریشه‌شناسی (معمول و معکوس: یعنی طبقه‌بندی و نام‌گذاری (زوج) واژه‌ها از راه خلاف معمول که اثبات عدم وابستگی ریشه‌شناختی آن‌ها با هم است، انجام می‌پذیرد) است، اما نتایج آن هم‌چنین در رشته‌های هم‌جوار مانند مطالعات ترجمه و به‌ویژه جهت زبان‌آموزی کاربرد خواهند داشت.

۳-۲- زوج‌واژه‌ها: تعاریف، انواع و کارکردها

در بررسی‌های زبان‌شناختی واژه‌های از لحاظ آوایی-واجی، نویسه‌ای و یا معناشناختی همانند یا مشابه دو (و گاه چند) زبان، از چند دهه پیش به این سو سخن از زوج‌واژه‌ها (Wortpaare) است ([نک. اعظم لطفی، ۱۳۹۹، ص. ۲۷۴-۲۸۲؛ و غیره](#)). چنین واژه‌های مشترکی با توجه به تمهیدات پیشین (نک. مقدمه) و مطابق با تازه‌ترین طبقه‌بندی کلی و جزئی، بسته به وجود یا نبود ارتباط خویشاوندی (-تاریخی)، جغرافیایی یا از هر جهت کاملاً بدون ارتباط، به سه نوع یا گروه کلی واژه‌های هم‌تبار، وام‌واژه‌ها یا زوج‌واژه‌های تصادفی و نیز زیرشاخه‌های متعددی تقسیم می‌شوند ([see Rahmani, 2021, p. 364](#)). دو گروه نخست را از منظر ریشه‌شناختی گاه در مقابله با دوستان ناباب، دوستان حقیقی یا راستین (Echte Freunde) نیز نامیده‌اند ([see Kroschewski, 2000, pp. 41-52](#)), حال آن‌که همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، تا چندی پیش به هیچ روی سخن از زوج‌واژه‌های تصادفی - چه به طور عام و چه خاص - در میان نبود. سه گروه کلی فوق هر یک به نوبه خود به زیرگروه‌هایی تقسیم می‌شوند که جهت پرهیز از اطالة کلام در این‌جا تنها به ذکر اسامی آن‌ها بسنده می‌شود. گروه نخست متشکل از واژه‌های مشترک هم‌تبار زبان‌هایی است که در گذشته‌ای بسیار دور از یک زبان واحد (بازسازی شده) فرضی مشتق شده و به خانواده زبانی (Sprachfamilie) ویژه‌ای مانند هندواروپایی، سامی، اورال-آلتایی، چین‌ویتیتی و غیره تعلق دارند؛ زیرشاخه‌ها یا به عبارتی انواع زوج‌واژه‌های این گروه از قرار زیرند: (زوج‌واژه‌های) هم‌تبار ساده (Einfache Erbwortpaare)، هم‌ریشه متمایز (Wurzelerbwortpaare)، هم‌تبار بخش شده

(ناقص) (Teil[wurzel]erbwortpaare)، شبه‌هم‌تبار (Scheinerbwortpaare)، هم‌تبار برگشتی (Rückerbwortpaare)، هم‌تبار احیا شده یا نو (Neu gebildete / wiederbelebte Erbwortpaare)، هم‌تبار-وامی (Erb-/Lehnwortpaare)، هم‌تبار ناباب (Erbwortpaare als Falsche Freunde)، و افزون بر این‌ها هم‌تبار نام‌آوایی (Ereberte Schallwörter) (see Rahmani, 2021, pp. 364, 1404). گروه دوم مشتمل بر زوج‌واژه‌های وام گرفته شده میان زبان‌هایی است که به‌ویژه در گذشته با یکدیگر برخورد مکانی-جغرافیایی و در روزگار ما عموماً فضایی-غیرمکانی (متنی یا میان‌فردی) داشته و دارند، بی‌آن‌که لزوماً به یک گروه یا خانواده زبانی تعلق داشته باشند (نک. داوری و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۶-۱۲۰؛ و بسیاری موارد مشابه)؛ از این جمله‌اند: وام‌واژه‌های ساده (Einfache Lehnwortpaare) که در حالت ایده‌آل از سه جهت در تبادلند (از زبان نخست به دومی، از دومی به نخستین و از زبان‌های دیگر به دو زبان پیشین)، نیز انواع دو(-سه)تایی (Doppellehnwortpaare)، بخش شده (وامی ناقص) (Teillehnwortpaare)، شبه‌وام‌واژه (Scheinlehnwortpaare)، وام‌واژه‌های برگشتی (به زبان مبدأ) (Rücklehnwortpaare)، وامی-هم‌تبار (Lehn-/Erbwortpaare)، وامی-برساخته (یا وامی-احیا شده) (Lehn-/Entlehnte)، وامی ناباب (Lehnwortpaare als Falsche Freunde)، به علاوه وامی نام‌آوایی (Schallwörter) (see ibid.). و سرانجام گروه سوم که پیش‌تر تنها به دوستان ناباب اطلاق می‌شد، از چندی پیش در کنار این زیرگروه نه همواره تصادفی، دو زیرگروه دیگر، یعنی نام‌آواها (ی تصادفی) و به‌ویژه دوستان ناآگاه، را نیز دربرمی‌گیرد؛ زین‌رو اگر بنا به دسته‌بندی کلی، همه زوج‌واژه‌های این سه زیرشاخه آخر (از گروه سوم) در کنار هم باشد، می‌توان آن‌ها را در مجموع تصادفی (Akzidenzwortpaare) یا شبه‌تصادفی (Pseudo-Akzidenzwortpaare) نامید (see Rahmani, 2021, p. 364, 1404)؛ هرچند انواع تصادفی را نیز می‌توان از میان آن‌ها جدا و دسته‌بندی کرد. شایان ذکر است که هر یک از این سه شاخه نیز به زیرگروه‌های دیگری تقسیم می‌شوند. درحالی‌که ساده‌ترین و شناورترین آن‌ها، یعنی نام‌آواها (نام‌آواها در عمل چنان شناور و بی‌مرزند که حتی در شکل تصادفی و یا خویشاوند با تمایز معنایی، به‌عنوان دوستان ناباب شناخته می‌شوند و به‌صورت کاملاً تصادفی و از لحاظ ظاهری و معنایی مطابق، در حکم دوستان ناآگاهند)، و همچنین زوج‌واژه‌های ظاهراً مشابه یا هم‌سان دوستان ناباب (که - برخلاف دوستان ناآگاه - افتراق معنایی شرط انتخاب آن‌هاست)، نخست متشکل از دو نوع ساده (یا کاملاً تصادفی) و خویشاوندند (یا غیرتصادفی) - اعم از هم‌تبار، وامی یا آمیزه‌ای از این دو -، زیرگروه مطلقاً و در همه حال تصادفی دوستان ناآگاه فقط متضمن نوع ساده است، در غیر این صورت این نام از آن ساقط می‌شود. در واقع شرط پیدایش، طبقه‌بندی و انتساب زوج‌واژه‌ای تصادفی بدین زیرگروه، هم‌خوانی نسبی یا مطلق صوری و محتوایی، یعنی آوایی-واجی و یا نویسه‌ای و معناشناختی، و نه ریشه‌شناختی است. چراکه با حذف عنصر و عامل تصادف از چنین زوج‌واژه‌هایی، در عمل با یکی از دو شاخه اصلی دیگر (هم‌تبار یا وامی یا مخلوط این دو) که از یک منشأ سرچشمه می‌گیرند، سر و کار داریم. حال با توجه به سطور بالا پیچیدگی‌های گروه سوم (زوج‌واژه‌های تصادفی) روشن‌تر می‌شود، زیرا تنها دوستان ناآگاه مطلقاً تصادفی و نماینده اصلی این گروه‌اند، اما دوستان ناباب و نام‌آواها فقط تا جایی که خصلت و ذاتی تصادفی داشته باشند در این گروه قرار می‌گیرند، وگرنه در زمره زیرشاخه‌های دو گروه نخستند.

در ارتباط با کارکرد هر یک از گروه‌های سه‌گانه زوج‌واژه‌ها و زیرشاخه‌های آن‌ها، بایسته است که خواننده علاقه‌مند دیگر بار به بحث پیشین (نک. ۱-۳)، یعنی حیطه‌های مرتبط با واژه‌شناسی یا واژه‌پژوهی هم‌چون مطالعات ترجمه و زبان‌آموزی، رجوع کند. سواى کارکرد انگیزشی و یادآورانه هر سه گروه زوج‌واژه‌های هم‌تبار، وامی و به‌ویژه تصادفی در فراگیری گاه وارونه واژگان زبان‌های غیربومی (در قیاس [با] و در صورت وجود یا عدم وجود چنین هم‌سانی‌هایی بر مبنای واژگان زبان خودی) و نیز کارکرد پیش‌گیرانه در به کار بستن واژه‌های مزبور در متون ترجمه‌ای و عدم خلط دو گروه نخست با واژه‌های متمایز (از جمله دوستان ناباب و غیره)، از زوج‌واژه‌های تصادفی حتی می‌توان در ریشه‌شناسی معکوس نیز بهره برد؛ بدین منوال که با به یادسپاری و بهره‌گیری از زوج‌واژه‌های هم‌آوا و هم‌معنای غیرخویشاوند، از جهتی دیگر (سلبی) به ریشه‌شناسی معمول (ایجابی) پرداخت. به هر روی در

پژوهش حاضر در وهله نخست، بررسی زوج‌واژه‌ها - به‌ویژه دوستان ناآگاه - از دیدگاه کلی زبان‌شناختی مد نظر است که دربرگیرنده ریشه‌شناسی و ریشه‌پژوهی در مفهوم کلی و در ایران و برخی از دیگر نقاط جهان هم‌چنین واژه‌شناسی و فرهنگ‌نامه‌شناسی است.

۳-۳- دوستان ناآگاه به‌عنوان نمونه بارز زوج‌واژه‌های تصادفی

چنان‌که در بخش‌های پیشین اشاره شد، گروه آخر (تصادفی) از گروه‌های سه‌گانه واژه‌های مشترک دو (یا چند) زبان، بنا بر تقسیم‌بندی اخیر (see Rahmani, 2021, pp. 364, 1404) خود به سه زیرگروه نام‌آواها (ی تصادفی)، دوستان ناباب (تصادفی) و دوستان ناآگاه تقسیم می‌شود که الزاماً در تمامی زوج‌زبان‌های دلخواه، واجد همه زیرشاخه‌های نام برده نیست. شاخه دوستان ناآگاه که خود زیرگروهی کاملاً تازه است پیش‌تر در زبان‌شناسی یا علوم مرتبط با آن نه‌تنها ناشناخته بود، بلکه افزون بر آن حتی امکان وجود چنین زوج‌واژه‌های تصادفاً از هر جهت (صوری و محتوایی) مشابه یا هم‌سانی از سوی برخی زبان‌پژوهان از پیش نفی گردیده بود (see Kroschewski, 2000, p. 49). به هر روی زیرگروه دوستان ناآگاه نمونه نوعی و نماینده بارز کل زوج‌واژه‌های تصادفی است، چراکه دو زیرشاخه دیگر گهگاه ویژگی‌هایی غیرتصادفی از خود بروز می‌دهند که مبتنی بر نوعی رابطه خویشاوندی اولیه (تاریخی) و یا ثانویه (جغرافیایی) بوده و بدین جهت بایستی برخی نمونه‌های آن‌ها را در عین حال شبه‌تصادفی نیز دانست. در حقیقت جفت شدن مطلقاً تصادفی دوستان ناآگاه که - بدون داشتن آیشخوری مشترک در گذشته‌ای دور یا نزدیک - در وهله نخست دربردارنده مشابهت‌ها یا در درجه دوم انطباق تام واجی-نویسه‌ای و معنایی‌اند، پیش‌شرط و به‌عبارت بهتر شرط لازم و کافی برای تعلق این زوج‌واژه‌ها به گروه نام برده است. در صورت سلب یکی از این مشابهت‌ها یا هم‌سانی‌های صوری و محتوایی، زوج‌واژه‌های مذکور از این گروه رانده و به گروه دوستان ناباب (با ظاهر مشابه یا یکسان و معنای متفاوت) یا واژه‌های صرفاً مترادف (با ظاهر متفاوت) خواهند پیوست، حتی اگر هم‌چنان تصادفی باقی بمانند.

در ارتباط با کارکرد دوستان ناآگاه در میان واژه‌های مشترک دو یا چند زبان بایستی به موارد زیر اشاره کرد: زبان‌آموزی - به‌ویژه یادگیری واژه‌های بین‌زبانی بر پایه مشابهت‌های اتفاقی و نامرتبب متقابل؛ بهره‌گیری از نتایج چنین ریشه‌شناسی و واژه‌شناسی معکوسی در فرهنگ‌نامه‌نگاری (Lexikographie) دو- یا چندزبانه (حتی به‌عنوان نوعی تازه از واژه‌نامه‌ها یا فرهنگ‌نامه‌ها یعنی گونه مجزای تصادفی) جهت درج و شناساندن واژه‌های تصادفاً (کمابیش) هم‌آوا، هم‌نویسه و هم‌معنی زبان‌ها که خود به تمایز چنین واژه‌هایی از انواع خویشاوند زوج‌واژه‌ها کمک شایانی خواهد کرد و نظایر این‌ها. درست همین ثبت فرهنگ‌نامه‌ای است که می‌تواند به‌مرور به تشخیص و افتراق سریع و ساده دوستان ناآگاه از دیگر زوج‌واژه‌های مشابه یا هم‌سان بینجامد. اما پیش از اجرای چنین طرحی، راه تشخیص چنین زوج‌واژه‌هایی از انواع خویشاوند همانا ریشه‌شناسی معکوس، یا تعقیب اشکال کهن و حتی‌الامکان تاریخیشان تا به ریشه اصلی (و حتی بازسازی شده) واژه‌ها و نفی چنین اشتراکی است. از دید نظری هرچه زبان‌های متضمن دوستان ناآگاه از لحاظ هم‌تباری و برخورد زبانی (ثانویه) از هم دورتر باشند، امکان وجود مشابهت‌های مبتنی بر خویشاوندی کم‌تر و احتمال تعلق زوج‌واژه‌های از هر جهت مشابه (صرف نظر از واژه‌های بین‌المللی و امی) به زیرشاخه دوستان ناآگاه که دقیقاً به دلیل همین ناآگاهی نخستین از وجود زوج‌های خویش در زبان‌های دیگر این‌گونه نامیده شده‌اند، بیش‌تر می‌شود. بنابراین تنها راه تمایز زوج‌واژه‌های گروه‌های نخست و دوم از دوستان ناآگاه، نفی ریشه مشترک (Gemeinsame/gleiche Wurzel) میان آن‌هاست. البته که این کار به دلیل وجود فرضی کلان‌خانواده‌های زبانی (Makrofamilie) باستانی متشکل از زبان‌های غیرهم‌تبار هم‌چون اوراسیایی-آفریقایی (Eurasatisch-afrikanische Sprachen) یا نوستراتی (Nostratische Sprachen) همیشه چندان آسان نیست، چراکه ممکن است به دلیل هم‌جواری دیرپای زبان‌هایی غیرخویشاوند، تبادل واژگان در زمان‌های بس دور منجر به شکل‌گیری چنین واژه‌های نامرتبب اما هم‌سان یا مشابهی شده باشد. باری، به دلیل این‌که وجود کلان‌خانواده‌های نام برده و امثال آن‌ها هنوز در زبان‌شناسی به‌درستی به رسمیت شناخته نشده، تا زمان اثبات چنین پیوندی می‌توان از این فرض چشم‌پوشید، به‌ویژه که یافتن دوستان ناآگاه در زبان‌های از لحاظ جغرافیایی بسیار دور (مثلاً زبان‌های شرق آسیا و جنوب آفریقا)، به خودی خود چنین فرضی را در مورد این زوج‌واژه‌ها ابطال خواهد کرد. پس به دلیل هم‌پوشانی‌های واکه‌ای-واجی و یا نویسه‌ای و معناشناختی دوستان

ناآگاه با واژه‌های هم‌تبار و وام‌واژه‌ها، تنها راه تفکیک مورد نخست از دو مورد دیگر هم‌چنان ریشه‌شناسی معکوس یا سلبی (با اثبات هم‌ریشه نبودن واژه‌ها) است.

هم‌چنین شایان ذکر است که علی‌رغم تأکید بالا مبنی بر قابل تصدیق بودن وجود عام (اما نه همیشگی) دوستان ناآگاه در میان زبان‌های غیرخویشاوند، چنین زوج‌واژه‌هایی را از لحاظ نظری (اما نه لزوماً در عمل) در هر زوج‌زبان دلخواه دیگری، از جمله زبان‌های هم‌تبار نیز می‌توان یافت. نمونه‌های بارز چنین زبان‌هایی، پارسی و آلمانی‌اند که با وجود تعلق به خانواده‌ی زبان‌های هندواروپایی، دارای تعداد قابل توجهی از زوج‌واژه‌های مطلقاً تصادفی از هر جهت هم‌سان یا مشابه‌اند. گرچه در چنین مواردی با تعقیب ریشه‌ی واژه‌های مزبور، عموماً احتمال یافتن ریشه‌ی مشترک و نقض این دسته‌بندی تصادفی افزایش می‌یابد یا حتی ممکن است گاه در انتساب زوج‌واژه‌های فوق به این یا آن گروه یا زیرگروه تردید پیش آید و نتوان واژه‌ها را با یقین دسته‌بندی کرد، با این‌همه، انواع به‌یقین غیرخویشاوند، یعنی دوستان ناآگاه نیز – بسته به زوج‌زبان مد نظر – به احتمال زیاد در این میان یافت می‌شوند. بنابراین نسبت دادن و وابستگی مطلق دوستان ناآگاه به زوج‌زبان‌های غیرخویشاوند (به‌ویژه از دید هم‌تباری) دست‌کم تا کنون محلی از اعراب نداشته و اثبات‌پذیر نبوده است. پس صرف پیدایی و برابر نهادن چنین زوج‌واژه‌های غیرهم‌ریشه‌ای در میان زبان‌های خویشاوند، بر انتظار پیشینی احتمالی و اولیه مبنی بر یافتن آن‌ها تنها در میان دورترین و نامرتب‌ترین زبان‌ها خط بطلان می‌کشد، اما در عین حال از احتمال یافتنشان در زوج‌زبان‌های متعلق به قطب مخالف (غیرخویشاوند) نمی‌کاهد.

۴- شیوه‌های کار با پیکره‌های پژوهشی

۴-۱- شیوه‌های یافتن و انطباق زوج‌واژه‌های (صرفاً تصادفی) زوج‌زبانی دلخواه

با توجه به تعاریف و انواع زوج‌واژه‌های ممکن که در بخش‌های پیشین (نک. ۲ و ۳) به‌صورت نظری بررسی شدند، می‌توان به چند روش برای تشخیص اولیه، تفکیک و دسته‌بندی انواع گوناگون و نام برده قائل بود که بسته به خویشاوندی یا عدم خویشاوندی زبان‌ها تفاوت‌هایی با هم دارند. وجه مشترک همه‌ی این روش‌ها اتکای دوگانه‌ی نخستین به واژگان (غیرتصریفی) موجود در فرهنگ‌نامه‌ی ذهنی (mentales Lexikon) و هم‌زمان جست‌وجو در میان واژه‌های ثبت شده به‌عنوان مدخل (Lemma oder Lexem) در فرهنگ‌نامه‌های بیرونی، یعنی چاپی یا الکترونیکی است. ترتیب و تقدم به‌کارگیری شیوه‌ی درونی و بیرونی این جست‌وجو بسته به گروه زوج‌واژه‌های مد نظر و اشراف پژوهشگر به موضوع، متغیر است؛ آن هم بدین ترتیب که پژوهشگر آشنا به دو یا چند زبان مورد نظر، یا در بدو امر با احاطه‌ی پیشینی به واژگان آن زبان‌ها، زوج‌واژه‌های گوناگون را به‌صورت ذهنی و بدون مراجعه به منابع بیرونی فهرست‌بندی می‌کند و برابر هم می‌نهد و یا نخست با بهره‌گیری از واژه‌نامه‌ها یا فرهنگ‌نامه‌های یک-، دو- و چندزبانه‌ی مرتبط بدین کار مبادرت می‌ورزد. مورد نخست که شهودی است و معمولاً کم‌تر رخ می‌دهد، به‌ویژه می‌تواند در تشخیص و تمایز اولیه‌ی واژه‌های تصادفی از دیگر گروه‌ها به کار بسته شود و مورد دوم عمدتاً برای تشخیص زوج‌واژه‌های خویشاوند، اعم از هم‌تبار یا وامی (به‌ویژه به کمک فرهنگ‌نامه‌های ریشه‌شناختی یک‌زبانه و نیز چندزبانه‌ی تبارشناختی)، هم‌چنین به‌عنوان گام دوم شیوه‌ی شهودی، یعنی جهت تثبیت و کسب اطمینان از فهرست‌بندی ذهنی انواع تصادفی زوج‌واژه‌ها، یاری‌رسان است. به هر روی هر نوع اتکای ذهنی نیز در پایان نیازمند رجوع به فرهنگ‌نامه‌هاست، چراکه مجموع واژگان درج شده در واژه‌نامه‌ها (صرف نظر از صورت‌های تصریفی واژه‌ها) همواره بیش‌تر، متنوع‌تر و موثق‌تر از واژه‌های ذهنی فردی خاص است؛ گو این‌که در میان واژه‌های ذهنی نیز عموماً زوج‌واژه‌هایی یافت می‌شوند که (هنوز) در فرهنگ‌نامه‌ها ثبت نشده‌اند، – اعم از انواع تصادفی (به‌ویژه دوستان ناآگاه که اساساً همواره نادیده گرفته شده‌اند، یا برخی نام‌آواها) و یا حتی وام‌واژه‌های بین‌المللی تازه –، زین‌رو هر دو شیوه مکمل هم‌اند.

گام‌های بعدی انطباق زوج‌واژه‌ها از پس جست‌وجو و فهرست‌بندی اولیه، بایستی با توجه به خویشاوندی یا عدم خویشاوندی واژه‌های مد نظر برداشته شوند. پی بردن به خویشاوندی اولیه از طریق فرهنگ‌نامه‌های ریشه‌شناختی و به‌ویژه انواع مربوط به خانواده‌های زبانی (مانند هندواروپایی) میسر و کسب اطمینان از بیگانه یا وامی بودن واژه‌ها نیز با مراجعه به فرهنگ واژه‌های بیگانه

امکان پذیر است، لغت‌نامه‌های یک‌زبانۀ بومی (هر زبان) نیز گاه تأیید کنندۀ اطلاعات مزبورند، - هرچند در زبان پارسی چنین اتکایی دشوار و اغلب ناممکن است. حتی در صورتی که پژوهشگر در صدد راستی‌آزمایی فهرست‌بندی واژه‌های تصادفی باشد، یعنی جهت بهره‌گیری از ریشه‌شناسی معکوس نیز از واژه‌نامه‌های مزبور بی‌نیاز نخواهد بود. در هر حال فرآیند فهرست‌بندی، برابر نهادن، ریشه‌یابی و تجزیه و تحلیل تحولات آوایی-واجی، اشتقاقی و معنایی زوج‌واژه‌های خویشاوند معمولاً نسبت به گونه‌های تصادفی که با نظر به فقدان چنین تحولاتی از توجیه آن‌ها بی‌نیازند، طولانی‌تر و دشوارتر است. اما از سویی اثبات غیرهم‌ریشه بودن زوج‌واژه‌های صرفاً تصادفی و از هر جهت (آوایی-واجی-نویسه‌ای و معنایی) مشابه یا هم‌سان زبان‌ها درون گروه زوج‌واژه‌های تصادفی وقت‌گیرتر و متزلزل‌تر از انواع دیگر است که دست‌کم از جهت معنایی متفاوتند (زیرا به دست آوردن کم‌ترین اطلاعات جدید در ارتباط با امکان خویشاوندی آن‌ها طبقه‌بندی‌شان را تغییر و به سوی واژه‌های خویشاوند هم‌تبار یا وام‌واژه سوق می‌دهد). بنابراین برای اطمینان از غیرهم‌ریشه و نامرتب بودن دوستان ناآگاه بایستی - برخلاف دوستان ناباب و نام‌آواهای غیرهم‌معنی (چنان‌چه نام‌آواهای مشترک زبان‌ها غیرهم‌ریشه اما از لحاظ ظاهری و معنایی مشابه یا هم‌سان باشند، می‌توان آن‌ها را هم‌زمان در گروه دوستان ناآگاه قرار داد) - نخست همه راه‌های ارتباطی و انواع خویشاوندی‌های ممکن را آزمود تا از غیرهم‌تبار و غیرومی‌بودنشان اطمینان حاصل کرد، درحالی‌که دسته‌بندی دوستان ناباب به دلیل معنای متفاوتشان خواه ناخواه نیازی به پیمودن راهی طولانی نداشته و نام‌آواها نیز تا جایی که در چند زبان غیرمرتبط مشابه بوده و به جهانی‌های زبان بازگردند، به راحتی قابل تشخیصند. بنا بر آن‌چه ذکر شد، روش کلی جست‌وجو و فهرست‌بندی واژه‌های مشترک میان زوج‌زبان‌ها ترکیبی از شیوۀ اکتشافی-شهودی است، و ساخت پیکره‌های واژگانی با رفتن از جزء به کل با بهره‌گیری از روش استقرایی (مبتنی بر منابع فرهنگ‌نامه‌ای) و نیز تا حدی قیاسی (به کمک معادل‌یابی‌های ذهنی و به کارگیری موارد مشابه در دیگر زبان‌ها) میسر است.

۴-۲- پیکره‌های مطلوب

چنان‌که پیداست پژوهشگر در راستای برابر نهادن و طبقه‌بندی واژه‌های مشترک میان زبان‌های دلخواه که مشتمل بر گروه‌های سه‌گانه زوج‌واژه‌ها و زیرشاخه‌هایشانند، ناگزیر است از مشاهده در مقام سنخ ناظر پژوهشگران (see Lemitzer & Zinsmeister, 2005, p. 5)، گردآوری، راستی‌آزمایی و تجزیه و تحلیل پیکره‌های مطلوب واژگانی زوج‌زبان‌ها در مقیاسی کلان، یعنی با نظر به کل واژگان موجود (و یا رایج) زبان‌های مورد پژوهش. هرچه گروه‌های مد نظر بیش‌تر باشند (مثلاً هر سه گروه کلی زوج‌واژه‌ها) بر تعداد و انواع واژه‌نامه‌های مورد جست‌وجو نیز افزوده می‌شود، درحالی‌که در بررسی موردی گروه‌ها - برای نمونه گونه‌ صرفاً تصادفی دوستان ناباب یا نام‌آواها - از انواع نامرتب پیکره‌ها (مثلاً تاریخی) به طرز چشم‌گیری کاسته خواهد شد. در میان طیف وسیع واژه‌نامه‌ها یا فرهنگ‌نامه‌های یک زبان - خواه به صورت درون‌زبانی و خواه در قیاس با زبان‌های دیگر - تمامی واژگان (غیرتصریفی) ثبت شده و مکتوب (اما نه لزوماً همه واژگان موجود یک زبان به طور کل چراکه زبان زنده و پویاست و گنجینۀ لغات آن مدام در حال افزایش) را عموماً تنها در لغت‌نامه‌های یک‌زبانۀ معنایی می‌توان یافت. سایر واژه‌نامه‌ها اساساً بخشی گزیده از این واژگان و یا بخشی تخصصی‌تر (دربردارندۀ اصطلاحات و لغات تخصصی رشته‌ای خاص) و غیرمندرج در نوع نام برده را در خود مضبوط دارند. بدین ترتیب بزرگ‌ترین پیکره واژگانی هر زبان در فرهنگ‌نامه‌ها و گاه دانش‌نامه‌های یک‌زبانۀ اش گردآوری و ضبط شده که بسته به غنای زبان مربوط تا چندصد هزار واژه را پوشش می‌دهد. برای مثال زبانی اشتقاقی و زایا هم‌چون آلمانی که در شمار غنی‌ترین زبان‌های جهان از لحاظ شمار واژه‌هاست، به طور میانگین نمایانگر گستره‌ای حدود سیصد هزار تا نیم‌میلیون واژه و با احتساب واژگان دوره‌های تاریخی و تخصصی‌اش روی هم رفته دارای پنج تا ده میلیون واژه است (see Schlaefel, 2009, p. 31). بدیهی است که اعداد مزبور در مورد زبان‌های کهن‌تر (چون پارسی) با احتساب لغات تاریخی و تخصصیشان احتمالاً در حالت پایه حتی تا دو یا سه میلیون واژه نیز افزایش می‌یابند؛ تعداد واژه‌های پارسی تنها بر حسب مدخل‌های مندرج در فرهنگ شش جلدی معین حدود سه‌ونیم میلیون تخمین زده شده است (see Rahmani, 2021, p. 235). به هر روی چنین پیکره عظیمی قابل قیاس با واژگان ذهنی حتی فردی نابغه (چون شکسپیر یا گوته) که در بهترین حالت تا حدود دویست هزار واژه یا کم‌تر را در ضمیر خود

مضبوط دارد نیز نیست، چه رسد به فردی عادی که به‌طور متوسط به شش - تا ده‌هزار واژه در ذهن خویش دسترسی و یا این تعداد واژه را اصولاً در یاد دارد (see Schlaefer, 2009, p. 31).

در وهله بعد بهره‌گیری از انواع دیگر واژه‌نامه‌ها از جمله فرهنگ واژه‌های بیگانه یا وامی یک‌زبانه، نوع دو- و یا چندزبانه رفتی، برگشتی یا دوسویه - منظور از نوع رفتی. واژه‌نامه دوزبانه‌ای است که با زبان مبدأ آغاز شده باشد و نوع برگشتی نیز آشکارا از جهت دیگر، یعنی با زبان مقصد آغاز می‌شود (see Hausmann, 1985, p. 377)، حال آن‌که در انواع دوسویه که متضمن هر دو نوع فوقند، جهت‌گیری آغازین اهمیتی ندارد (این واژه‌نامه‌ها را فرهنگ‌های ترجمه‌ای نیز می‌توان نامید)، و بسته به نوع پژوهش و پیکره هدف (زوج‌واژه‌های معاصر و یا تاریخی) گاه حتی فرهنگ‌نامه‌های تاریخی، به‌نحو مطلوبی به پیکره‌سازی و تدقیق آن کمک شایانی خواهد کرد. واژه‌نامه‌های خانواده‌های زبانی (بینا‌زبانی)، ریشه‌شناختی (درون‌زبانی) و دوره‌های کهن زبان مزبور (مثلاً پارسی باستان) تازه در گام بعد و جهت تعقیب (معمول یا معکوس) ریشه‌های واژه‌های پژوهش شونده کاربرد می‌یابند. آن‌چه تا کنون بیان شد از منظری کلی و در راستای پیکره‌سازی هر سه گروه زوج‌واژه‌ها بود که در زوج‌زبانی ایده‌آل (مانند پارسی و آلمانی یا اسپانیایی و ایتالیایی) همگیشان یافت می‌شوند (این امر گاه در مورد زبان‌های غیرایده‌آلی مانند عربی و لاتین که خویشاوندی اولیه‌ای با هم ندارند نیز به دلیل (تخمین) وجود نیای مشترک احتمالی به سبب هم‌جواری در دوران کهن (نک. Sprachbund) تا حد نزدیک به کامل دیده می‌شود). جهت گردآوری پیکره‌های مطلوب زوج‌واژه‌های تصادفی، بسته به هر یک از سه زیرشاخه مورد پژوهش، انواع محدود یا گسترده‌تری از فرهنگ‌نامه‌ها و به طبع پیکره‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. درحالی‌که واژه‌نامه‌های معمول یک- و دوزبانه و حداکثر فرهنگ لغات بیگانه، در کنار اتکا به واژگان ذهنی به‌طور معمول برای پیکره‌یابی یا پیکره‌سازی دوستان ناباب کفایت می‌کند، برای اطمینان از صحت پیکره‌سازی دوستان ناآگاه - که در این پژوهش به‌طور خاص مد نظرند - و عدم آمیختگی آن‌ها با زوج‌واژه‌های خویشاوند گریزی نیست از بررسی تمامی فرهنگ‌نامه‌ها و پیکره‌های تاریخی و ریشه‌شناختی مرتبط. در موارد نادری که بیش از دو زبان جهت یافتن دوستان ناآگاه با هم سنجیده می‌شوند، بایستی در صورت هم‌تباری آن زبان‌ها، از فرهنگ‌نامه‌های تبارشناختی چندزبانه (مانند سامی، هندواروپایی و غیره) جهت نفی ریشه مشترک استفاده شود، در غیر این صورت معیاری اساسی برای سنجش عدم ارتباط میان واژه‌های مد نظر وجود ندارد و بیش‌ترین اتکا احتمالاً به عناصر واژگانی شهودی است.

۴-۳- بازبینی و سنجش

جهت راستی‌آزمایی پیکره گردآوری شده به‌مثابه یک کل، صحت و اعتبار دسته‌بندی گروه‌ها و زیرگروه‌های آن و عدم خلط آن‌ها با یکدیگر، بایستی در گام بعدی به بازبینی و سنجش تک‌تک زوج‌واژه‌ها بر اساس معیارهای متعلق به هر گروه اصلی و زیرشاخه‌هایشان پرداخت. سنجش درستی و اعتبار پیکره‌های متعلق به گروه‌های خویشاوند هم‌تبار و وامی - به همراه انواع شبه‌تصادفی از لحاظ معنایی انحراف یافته‌شان (نام‌آواها و دوستان ناباب هم‌ریشه) - دیگر بار با مراجعه به واژه‌نامه‌ها آزموده می‌شود. اما در این گام پسین بایسته است، - برخلاف فرایند جمع‌آوری زوج‌واژه‌ها که در بدو امر با مراجعه به لغت‌نامه‌های معمول یک- و سپس دوزبانه (عموماً معاصر) به جریان می‌افتاد -، نخست از جهت عکس، یعنی فرهنگ‌نامه‌های تاریخی، ریشه‌شناختی و به‌ویژه چندزبانه هم‌تبار (مانند زبان‌های سامی) آغاز کرد و آن هم دست‌کم بر پایه چندین واژه‌نامه از هر نوع نام برده. با انطباق نتایج برآمده از بازبینی ثانویه یا مکرر با یافته‌های پیشین و اصلاح نواقص احتمالی، حذف یا نشان‌دار کردن موارد شبه‌آمیز و احیاناً درج زوج‌واژه‌های نویافته در فهرست پیشین، در اغلب موارد امکان به پایان رساندن این سیر واژه‌یابی و تشریح و یا تحلیل داده‌ها فراهم می‌شود. البته قوس رفت و برگشتی حاصل از این سنجش تکمیلی (از واژگان کنونی به سمت اشکال تاریخی و ریشه‌ها، و نیز به عکس) می‌تواند در موارد دشواریاب یا دشوارفهم و شک‌برانگیز به دفعات پیموده و راستی‌آزمایی شود. این امر در مورد کل پیکره سه‌گانه صادق است، هرچند که سنجش تعلق زوج‌واژه‌های مطلقاً تصادفی کمابیش هم‌آوا و یا هم‌نویسه و نیز هم‌معنا به زیرشاخه دوستان ناآگاه که جنبه سلبی و معکوس دارد، شایسته دقتی بیش از موارد دیگر و گاه تکرار راستی‌آزمایی و چرخش مکرر دوسویه

آن است، درحالی که دیگر زوج‌واژه‌های تصادفی و شبه‌تصادفی معمولاً به راحتی و طی یک قوس کامل بازشناخته و دسته‌بندی می‌شوند.

۵- یافته‌های واژگانی

۵-۱- نمونه‌های زوج‌واژه‌های خویشاوند یا غیرتصادفی و شبه‌تصادفی در زبان‌های هم‌تبار و غیرهم‌تبار

دسته‌بندی دوگانه و کلی زوج‌واژه‌ها که در این بخش (۵) از پژوهش حاضر بر اساس خویشاوندی و عدم خویشاوندی یا تصادفی و غیرتصادفی بودن آن‌ها برای نخستین بار ارائه می‌گردد، با طبقه‌بندی کلی و عمدتاً زوج‌زبان محور (پارسی-آلمانی) که در پژوهش مربوط با جزئیات و تفصیل بسیار معرفی شده ([see Rahmani, 2021, pp. 401-713](#)) تفاوت‌هایی دارد. البته تفاوت‌های مزبور به وارد کردن و دسته‌بندی یک‌بارۀ زوج‌واژه‌های خویشاوند شبه‌تصادفی (نام‌آواها و دوستان ناباب هم‌ریشه) در گروه واژه‌های خویشاوند (اولیه و ثانویه)، یعنی عدم بررسی آن‌ها در زیرشاخهٔ شبه-/تصادفی (و در کنار زوج‌واژه‌های مطلقاً تصادفی)، در این مقاله بازمی‌گردد، با این هدف که دریافت و کاربرد این گروه‌بندی تازه (با حذف دسته‌بندی‌های مطول و ریزبینانهٔ پژوهش نام برده) برای زوج‌زبان‌های هم‌تبار و غیرهم‌تبار دیگر آسان‌تر شود. بخش حاضر (۵-۱) از سویی شامل دو گروه خویشاوند بارز یا غیرتصادفی، یعنی زوج‌واژه‌های هم‌تبار و وامی است و از سوی دیگر متضمن انواع شبه‌تصادفی (یا در اصل هم‌ریشه) زوج‌واژه‌ها، به عبارتی دوستان ناباب و نام‌آواهای خویشاوند. نمونه‌های هر یک از این دو دستهٔ کلی نیز کمابیش از دو جهت قابل بررسی‌اند: در میان زبان‌های هم‌تبار (مثلاً هندواروپایی یا سامی) و غیرهم‌تبار (برای نمونه واژه‌ای از یکی از زبان‌های سامی در مقابل واژهٔ مشابه یا هم‌سان از زبانی متعلق به خانوادهٔ اورال-آلتایی و غیره). برای بررسی دقیق‌تر و مشروح واژه‌های مورد بررسی در این فصل و ریشه‌های آن‌ها به ویژه بنگرید به فرهنگ‌نامه‌ها و درس‌نامه‌های معتبر ریشه‌شناختی و تبارشناختی ([Haspelmath & Tadmor, 2009; Kluge, 2011; Pokorny, 2005; etc.](#)).

نخست پیردازیم به زوج‌واژه‌های خویشاوند یا غیر-/شبه‌تصادفی (گروه‌های اول و دوم [و بخشی از گروه سوم] از سه گروه کلی) در میان زبان‌های هم‌تبار. مثال‌های ساده و کوتاه برای هر یک از دو گروه از این قرارند: گروه نخست شامل زوج‌واژه‌های هم‌تبار هندواروپایی است، مانند /nāf/ در پارسی، /naabhi/ در سانسکریت، /Nabel/ در آلمانی، /navel/ در انگلیسی، /navle/ در دانمارکی؛ یا انواع هم‌تبار سامی، از جمله /salam/ در عبری، /āšlom/ در عبری، /selam/ در آمهری و غیره؛ - و گروه دوم مشتمل بر زوج‌واژه‌های وامی میان زبان‌های هم‌ریشه است: برای نمونه وام‌واژه‌های بین‌المللی با ریشهٔ یونانی [ekklesia/ در اصل /ἐκκλησία/ در صورت پارسی /کلیسا/، Ekklesia/ در آلمانی، /ecclesia/ در انگلیسی؛ یا با ریشهٔ هندی [در اصل /shaimpoo/ در صورت پارسی /āšmpu/، Shampoo/ در آلمانی و انگلیسی، /shampun/ در ارمنی. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، خویشاوندی گروه نخست از نوع هم‌تباری تاریخی است و همهٔ زبان‌های مورد نظر - بسته به تحولات آوایی درونی و اثرگذاری زبان‌های دیگر - به نحوی از صورت (فرضی) آغازین واژه‌های هم‌ریشه (ریشهٔ اصلی) فاصله گرفته‌اند. در صورتی که در نمونه‌های گروه دوم اصل واژه، تنها متعلق به یک زبان خاص تاریخی است که از آن به دیگر زبان‌های نهم‌سان جهان راه یافته (وام‌گیری). هم‌چنین برشمردن زوج‌واژه‌های شبه‌تصادفی که گاه با دیگر زوج‌واژه‌های هم‌نام (نام‌آواها و دوستان ناباب به‌طور کلی) در گروه سوم نیز از آن‌ها یاد می‌شود، به دلیل هم‌ریشه بودنشان - که عموماً در وهلهٔ نخست قابل تشخیص نیست - در این دسته‌بندی و در کنار دو گروه نخست نه تنها مجاز بلکه ارجح است. در این زمره‌اند نام‌آواهای هم‌ریشه در زبان‌های هندواروپایی (/bāve/ یا /babe/ در پارسی، /boy/ در انگلیسی، /Bube/ در آلمانی و /boa/ در نروژی - یا /kuku/ در پارسی و /cucu/ در فرانسوی باستان، /Kuckuck/ در آلمانی به معنای فاخته یا آواز آن؛ نیز دوستان ناباب خویشاوند در خانوادهٔ زبانی نام برده (/div/ در پارسی، /deva/ در هندی باستان و /deus/ در لاتین به معنای متضاد اولی، یعنی خدا[یان]). تمامی این مشابهِتها یا

هم‌سانی‌های واژه‌ای - که در مورد دوستان ناباب از لحاظ معنایی از هم فاصله می‌گیرند - بر اثر خویشاوندی اولیه یا ثانویه زبان‌های فوق‌ظهور یافته‌اند.

اما در ارتباط با زوج‌واژه‌های خویشاوند (هم‌ریشه در مفهوم اولیه) یا غیرتصادفی زبان‌های غیرهم‌تبار نمی‌توان از تنوع پیشین سخن گفت، چراکه از لحاظ ایجابی امکان وجود بخش اعظم زیرشاخه‌های این سویه از پیش منتفی است. نمونه‌های نوع غیر- و شبه‌تصادفی یا خویشاوند تنها به برخی وام‌واژه‌های بین‌المللی و حداکثر معدودی از دوستان ناباب و نام‌آواهای وامی محدود می‌شوند، اما زوج‌واژه‌های گروه نخست (مبتنی بر خویشاوندی تاریخی) نمی‌توانند هم‌تبار نباشند، - گو این‌که دوستان ناباب و نام‌آواهای هم‌ریشه نیز در صورت وجود در زبان‌های غیرهم‌تبار از منبعی دیگر وام گرفته شده و می‌توانند ذیل وام‌واژه‌ها بررسی شوند. نمونه نوعی وام‌واژه‌های بین‌المللی در زبان‌های غیرهم‌تبار، واژه‌ای با ریشه ژاپنی [در اصل /Jūdō/] با صورت پارسی /judo/ یا /jodo/، /al-judo/ در عربی، /Judo/ در آلمانی، /xhudo/ در آلبانیایی، /you dau/ در خمر است؛ و مثال‌های بارز نام‌آواهای وامی و دوستان ناباب وام گرفته شده در زبان‌های نامرتب به ترتیب از این قرارند: /cricket/ در انگلیسی، /kriketti/ در فنلاندی، /kriket/ در مالایی، /krikyet/ در مغولی، همگی برگرفته از /crequet/ در فرانسوی باستان؛ و /ahashverusi/ در گرجی، /Ahasver(os)/ در آلمانی، /ahasyweros/ در بهاسا که همگی برگرفته از نام /xašāyāršā/ در پارسی [پارسی باستان: /xšāyāθiyā/] اما تحت تأثیر عبری /axašveroš/ با تغییر محتوایی در این زبان واسطند (به معنی انسانی ناآرام و در تب و تاب).

۵-۲- نمونه‌های زوج‌واژه‌های غیرخویشاوند یا تصادفی در زبان‌های هم‌تبار و غیرهم‌تبار

بخش دوم از یافته‌های واژگانی به بررسی اجمالی مثال‌هایی از زوج‌واژه‌هایی غیرخویشاوند یا مطلقاً تصادفی، نخست در زبان‌های هم‌تبار و سپس غیرهم‌تبار اختصاص دارد. چنان‌که پیداست دو گروه نخست (هم‌تبار و وامی) در این بخش خواه ناخواه حذف می‌شوند و یافته‌های ما تنها به سه زیرشاخه گروه سوم (تصادفی)، یعنی برخی نام‌آواها و دوستان ناباب - که همیشه غیرخویشاوند نیستند - و البته همه دوستان ناآگاه محدود می‌گردد. مثال‌های مربوط به واژه‌های تصادفی در زبان‌های هم‌تبار از این قرارند: نام‌آواهای تصادفی، از جمله صدای حیوانات مانند /gřirak/ در پارسی، /Grille/ در آلمانی، /gryllus/ در زبان لاتین که بنا بر مستندات، از لحاظ لغوی خویشاوندی اولیه‌ای با هم ندارند و جزو جهانی‌های زبان محسوب می‌شوند؛ دوستان ناباب تصادفی هم‌چون /dā/ در گویش‌های ایرانی لری و لکی به معنای مادر، /da/ در زبان آلمانی به معنی آن‌جا، /dā/ [در اصل /da/] در زبان روسی به معنای آری؛ دوستان ناآگاه [علی‌الاطلاق] مانند زوج‌واژه‌های از لحاظ معنایی مشابه /bayugāni/ در اوستایی، پهلوی و سانسکریت به معنی ازدواج و /bigamus/ در لاتین به معنای ازدواج دوگانه، هم‌چنین واژه‌های از هر سو هم‌سان /nok/ در پارسی و /Nock/ در آلمانی [اعم از نوک پرنده، درخت و غیره]. چنان‌که پیداست گرچه واژه‌های زیرشاخه آخر برگرفته از زبان‌های خویشاوندند، اما هر یک به‌صورت جداگانه و از ریشه‌ای مجزا در زبان مبدأ شکل گرفته‌اند، یعنی به هیچ وجه با یکدیگر هم‌ریشه نیستند و درست به دلیل همین مشابهت‌های ظاهری و معنایی تصادفی در شمار دوستان ناآگاه قرار می‌گیرند.

و سرانجام نمونه‌های تصادفی برگرفته از زبان‌های غیرهم‌تبار به شرح زیرند: نام‌آواهای تصادفی، از جمله بسیاری از اصوات انسانی مانند /āhān/ در پارسی، /aha/ در آلمانی، /ahā/ در چینی، /aha/ در کره‌ای، /aha/ در ترکی و سواحیلی و غیره؛ دوستان ناباب تصادفی، مانند /kāhen/ در عربی [برگرفته از عبری /kuhen/ یا /kohen/] به معنی روحانی پیش‌گو در مصر باستان، /Kahn/ در آلمانی به معنی زورق و /kahen/ در ژاپنی به معنی متغیر؛ دوستان ناآگاه، از جمله واژه‌های از لحاظ صوری مشابه و هم‌معنی /borğ/ در عربی و /Burg/ در آلمانی (و شاید /pýrgos/ [در اصل /πύργος/ در یونانی])، نیز زوج‌واژه‌های از هر جهت مشابه و از دید معنایی کاملاً هم‌سان /vat/ در پهلوی، /bad/ در عربی و /bad/ در انگلیسی که هم‌چون مثال مورد قبل، هم‌ریشه نیستند. بنابراین زوج‌واژه‌های از هر جهت تصادفاً هم‌سان یا مشابه دوستان ناآگاه که در مرکز پژوهش حاضر قرار داشتند، هم در زبان‌های هم‌تبار و هم غیرهم‌تبار یافت می‌شوند. این‌که کدام یک از این دو دسته سهم بیش‌تری از چنین واژه‌هایی را به خود اختصاص داده‌اند موضوعی است که نیاز به پژوهش‌های گسترده در میان بسیاری از زبان‌های همگون و ناهمگون و از لحاظ

تاریخی-جغرافیایی مرتبط و غیرمرتبط جهان دارد. لیکن در بررسی اولیه و غیرجامع میان واژه‌های مشترک زبان‌های هندواروپایی که در این تحقیق بیش‌تر بدان‌ها پرداختیم، شمار دوستان ناآگاه میان زوج‌زبان‌های درون این خانواده به نسبت تقابلهای مشابه فراتر از آن، اندکی بیش‌تر است. البته این ارزیابی به هیچ وجه قطعی نیست و بررسی‌های تکمیلی آینده را می‌طلبد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر که برای نخستین بار در زبان پارسی به تبیین زیرشاخه تازه کشف شده زوج‌واژه‌های مطلقاً تصادفی، یعنی دوستان ناآگاه، و تعیین جایگاه آن در میان دیگر واژه‌های مشترک (زوج‌زبان‌های جهان پرداخت، هم‌چنین به‌طور ضمنی تلاش بر آن بود که طبقه‌بندی مجدد و کلی‌ای از زوج‌واژه‌های مزبور (به پارسی) ارائه گردد؛ گروه‌بندی‌ای که فرای پژوهش موردی و ریزبینانه پیشین بر مبنای زوج‌زبان پارسی-آلمانی (see Rahmani, 2021, pp. 364, 1404)، به دیگر زوج‌زبان‌ها - از جمله دیگر زبان‌های خانواده بزرگ هندواروپایی، تا حدودی سامی و حتی زبان‌های منفرد جهان، و هم‌چنین [اگر نه به هر یک، دست‌کم] به بسیاری از دیگر زبان‌های غیرهم‌تبار جهان - نیز تعمیم‌پذیر بود. برای روشن شدن وضعیت، مشابهت‌ها و تفاوت‌های دوستان ناآگاه در میان دیگر واژه‌های مشترک دو یا چند زبان هم‌تبار و غیرهم‌تبار، ناگزیر در این مقاله به‌طور هم‌زمان به بحث و بررسی نظری و عملی یا تجربی (با شاهد مثال) دیگر زوج‌واژه‌های خویشاوند و غیرخویشاوند یا غیر- و شبه‌تصادفی - در کنار این زیرگروه مطلقاً تصادفی تازه - پرداخته شد، از جمله بحث میان میزان ارتباط معنایی واژگان مد نظر با ربطشان به هم و نظایر آن. از دستاوردهای بارز این مقاله که به‌ویژه در فصول ۳ و ۵ (به ترتیب) به‌صورت نظری مطرح و سپس با مثال تشریح و اثبات شد، بایستی به این موارد اشاره کرد: ذکر و تثبیت دوستان ناآگاه به‌عنوان نماینده بارز گروه مطلقاً تصادفی زوج‌واژه‌ها، نیز خروج دوستان ناباب (غیرخویشاوند) که تا مدت‌ها (یعنی دهه‌ها) تنها نماینده پیش‌تر شناخته شده زوج‌واژه‌های تصادفی (به‌عنوان گروهی مجزا از گروه‌های هم‌تبار و وامی) به شمار می‌آمدند از حالت انحصاری پیشین و گروه‌بندی دوگانه آن‌ها (از جهت تصادفی یا شبه‌تصادفی بودن)، و صدالبته طبقه‌بندی کلی واژه‌های مشترک دو یا چند زبان به دو دسته خویشاوند و تصادفی با بهره‌گیری از ریشه‌شناسی معمول و معکوس. افزون بر این در بخش چهارم مقاله به‌صورت مشروح شیوه‌های پیکره‌یابی، انطباق، سنجش و راستی‌آزمایی (مکرر) زوج‌واژه‌های زبان‌های دلخواه (خویشاوند یا غیرخویشاوند) طی قوسی رفت و برگشتی و بر اساس جست‌وجوی هدفمند در واژه‌نامه‌ها یا فرهنگ‌نامه‌های یک-، دو- و چندزبانه گوناگون (اعم از معنایی، ترجمه‌ای، ریشه- یا تبارشناختی، تاریخی، وام‌واژه‌ای و غیره) و نیز با اتکا به واژگان ذهنی فرد یا افراد [پژوهشگر] از نظر گزارنده شدند. بحث‌های دیگری نیز به مراتب مطرح شدند که از آن‌ها با عنوان سه گروه کلی واژه‌های خویشاوند (نوع نخست)، خویشاوند کاذب یا با معانی متفاوت و نیز کاملاً تصادفی یاد شد. با توجه به بدعت این پژوهش در به دست دادن تازه‌ترین طبقه‌بندی (کلی) زبان‌شناختی از زوج‌واژه‌های دلخواه بر اساس خویشاوندی یا عدم خویشاوندیشان، انتظار می‌رود تحقیقات تکمیلی آتی با بررسی جزئی‌تر انواع دیگر زوج‌زبان‌ها، استدلال‌ها و نتایج این پژوهش را تأیید و تکمیل کرده و یا به کشف زیرگروه‌های احتمالی (ناشناخته) دیگر نایل شوند.

ملاحظات اخلاقی

مشارکت نویسندگان

نصرت حجازی، طراحی پژوهش، نظارت بر مراحل انجام پژوهش، بررسی و کنترل نتایج، اصلاح، بازبینی و نهایی‌سازی مقاله
مبینا زالی: تهیه و آماده‌سازی نمونه‌ها، انجام آزمایش و گردآوری داده‌ها، انجام محاسبات، تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها، تحلیل و تفسیر اطلاعات و نتایج، تهیه پیشنویس مقاله

اعلامیه هوش مصنوعی مولد و فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در فرایند نگارش

نویسنده در فرایند نگارش و آماده‌سازی این مقاله از هیچ‌گونه ابزار هوش مصنوعی یا فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی استفاده نکرده است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

بیانیه دسترسی به داده‌ها

داده‌هایی پژوهش حاضر از طریق درخواست از نویسندگان قابل دسترسی است.

سپاسگزاری

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

References

- Azam lotfi, F. (2020). Comparative study of common Sanskrit and Persian words. *Journal of Foreign Language Research*, 10(2), 272-283. doi: 10.22059/jflr.2020.304843.732
- Davari, H. , Alavimoghaddam, S. B. and Kheirabadi, R. (2018). A Critical Evaluation of Etymological Research Studies on English Words Borrowed from Persian (A Case Study: Dictionary of Persian Words in English). *Journal of Foreign Language Research*, 8(1), 105-122. doi: 10.22059/jflr.2017.240585.385
- Einhellinger, Ch. (2023). *Unterricht bei Zwei- und Mehrsprachigkeit*. Grundlagen – Methoden – Materialien. Stuttgart: Kohlhammer.
- Harm, V. (2022): *Wortgeschichte digital: Ein neues Wörterbuch zur Geschichte des neuhochdeutschen Wortschatzes*, In: Diehl, G., & Harm, V. (Hgg.), *Historische Lexikographie des Deutschen*. Berlin/Boston: Walter de Gruyter, 173-191.
- Haspelmath, M., & Tadmor, U. (2009). *Loanwords in the World's Languages*. A Comparative Handbook. De Gruyter Mouton: The Hague/Berlin.
- Kluge, F. (2011). *Kluge: Etymologisches Wörterbuch der deutschen Sprache*. Bearbeitet von E. Seebold, 25. erweiterte Auflage, Berlin/Boston: Walter de Gruyter.
- Kroschewski, A. (2000). *False friends und true friends*. Ein Beitrag zur Klassifizierung des Phänomens der intersprachlich-heterogenen Referenz und zu deren fremdsprachendidaktischen Implikationen. Frankfurt/Main: Peter Lang Verlag.
- Lemnitzer, L., & Zinsmeister, H. (2006). *Korpuslinguistik*. Eine Einführung. Tübingen: Gunter Narr Verlag.
- Milan, C., & Sünkel, R. (1990). *Falsche Freunde auf der Lauer*. Dizionario di false analogie e ambigue affinità fra tedesco e italiano. Bologna: Zanichelli.
- Parianou, M. (2000). „*Falsche Freunde*“ im Sprachenpaar (Neu-)Griechisch-Deutsch. R. Hoberg (Hrsg.), *Angewandte Sprachwissenschaft*, Bd. 3, Frankfurt/Main: Peter Lang Verlag.
- Pokorny, J. (2005). *Indogermanisches etymologisches Wörterbuch*. 2. Bde., 5. Aufl., Bern/München: A.Francke Verlag.

- Rahmani, S. (2020). *Vom Weg und Irrweg der Etymologie*. Eine lexikalische Ermittlung der Verwandtschaft, der Übernahme und der akzidentiellen Übereinstimmung: Mit Blick auf Koeffizienten der Ähnlichkeit in deutsch-persischen Wortpaaren. Dissertation im Fach Germanistik. Heidelberg: Universitätsbibliothek (heiDOK).
- Rahmani, S. (2021). *Vom Weg und Irrweg der Etymologie*. Eine lexikalische Ermittlung der Verwandtschaft, der Übernahme und der akzidentiellen Übereinstimmung: Mit Blick auf Koeffizienten der Ähnlichkeit in deutsch-persischen Wortpaaren. Teheran: Rahnama.
- Schlaefel, M. (2009). *Lexikologie und Lexikographie*. Eine Einführung am Beispiel deutscher Wörterbücher. 2. Aufl., Berlin: Erich Schmidt Verlag.
- Schmidt, M. (2023). *Etymologie der geographischen Beinamen*. Norderstadt bei Hamburg: BoD.